

تبیین روش عادت‌دهی مطلوب کودکان از دیدگاه فقه تربیتی*

□ راضیه ملک سنو**

□ مریم وفادار***

چکیده

یکی از روش‌های پایدارسازی رفتار، عادت دادن افراد به‌ویژه کودکان به‌انجام کارها است. دفعی برخورد کردن با کودک در برخی مسایل تربیتی عواقب نامطلوبی مانند دل‌زدگی، اضطراب و از همه مهم‌تر مقطعی بودن رفتار می‌گردد؛ بنابراین، برای ثبات و نهادینه شدن بسیاری از رفتارها در کودکان، روش عادت‌دهی مورد نیاز است؛ بنابراین، باید دانست فقه به‌عنوان برنامه جامع زندگی چگونه نقش عادت را در تربیت تبیین می‌کند. روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی و گردآوری مطالب کتابخانه‌ای است. این نوشتار در صدد است ضمن پرداختن به مفهوم‌شناسی و مبانی نظری روش عادت‌دهی و اشاره به دیدگاه کارشناسان تربیتی، حکم فقهی روش عادت دادن کودکان را در حوزه عبادات، فضایل اخلاقی و معاملات با استدلال عقلی و نقلی مورد واکاوی قرار دهد. طبق نتایج حاصل از این پژوهش، احتمال وجود و استحباب برای روش عادت‌دهی در منابع فقهی مطرح است و به‌نظر می‌رسد با ادله مختلف بتوان دست‌کم به استحباب روش عادت‌دهی کودکان در انجام فرایض، کسب فضایل اخلاقی و معاملات، حکم داد. همچنین از نظر فقهی در استفاده از این روش، رعایت توان کودک الزامی است. **واژگان کلیدی:** عادت‌دهی، تمرین، روش تربیتی، کودک، فقه تربیتی.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۴/۱۷.

** گروه قرآن و علوم گرایش تربیتی، جامعه المصطفی‌ﷺ العالمیه، مشهد، ایران، (نویسنده مسئول).

ra.malek1355@gmail.com/

*** گروه فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفی‌ﷺ العالمیه، مشهد ایران. maryam_vafadar@miu.ac.ir/

مقدمه

شریعت اسلام، حاوی کامل‌ترین برنامه‌ها از دورهٔ کودکی و حتا پیش از تولد انسان تا خاموشی چراغ حیات او است. این برنامه شامل اهداف، اصول و روش‌هایی است که نقشه راه تربیت را برای مریبان و متولیان روشن می‌نماید. منظور از تربیت، «پرورش استعداد افراد جامعه در همه ساحت‌ها و زمینه‌های جسمانی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و... است» (اعرافی، ۱۳۹۵: ۲۶/۵۱). تربیت صحیح در گرو استفاده از روش‌های تربیتی مناسب است که مطابق موازین عقلی و شرعی باشد. به نظر می‌رسد «روش تمرین و عادت دادن» از جمله روش‌های مهم تربیتی است که اسلام به آن توجه داشته است. بر اساس روایات شیعه، عادت به‌عنوان طبیعت دوم (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۳) و یا سلطان معرفی شده است^۱ (همو، ۵۴۴).

درخشش بحث عبادات تمرینی برای کودکان در متون فقهی حاکی از این واقعیت است. امروزه در کنار تکنیک‌هایی مانند روان‌درمانی، بازی‌درمانی، دارودرمانی، روش عادت‌درمانی مورد توجه قرار گرفته است.

تا کنون آثار فراوانی دربارهٔ عادت نگاشته شده است؛ اما اول این‌که در این آثار دیدگاه دانشمندان غربی غالب است. مانند کتاب «نقش عادت در تربیت اسلامی» اثر اشرف جودت که در آن روی‌کرد فقه تربیتی وجود ندارد. در کتاب «الگوی دینی راهبردی تربیت» نوشته محمدحسن وکیلی به‌طور مختصر روش عادت از نگاه شریعت بدون توجه به‌منظر فقهی، معرفی و به‌روایاتی با محوریت عادت دادن به فضایل اخلاقی استناد شده است. دوم این‌که اگرچه برخی منابع به‌ویژه متون معاصر به تبیین فقهی عادت پرداخته است؛ اما در برخی موارد برای استدلال به‌روایات و ادله‌ای استناد شده است که بیشتر مرتبط با تربیت عبادی کودک و گاهی تربیت اخلاقی است و از سایر ساحت‌ها سخنی به‌میان نیامده است. به‌عنوان نمونه کتاب «روش‌های تربیت» نوشته علی‌رضا اعرافی، ذیل روش بازی اشاره‌ای به عادت‌سازی داشته و در چند سطر این روش را معرفی نموده است. همچنین از همین نویسنده کتاب فقه تربیتی، ج ۲۴ به تبیین روش تمرین و تکرار پرداخته و با محوریت عبادات تمرینی به چند روایت استناد و در

۱. العادة طبع ثان. للعادة علی کلّ إنسان سلطان.

نهایت، حداکثر استحباب را در روش تمرین و تکرار نتیجه‌گیری نموده است. لنکرانی نیز در «موسوعه احکام الاطفال وادلتها، ج ۳/ ۳۹۱» مبحثی را با عنوان «التربیه من طریق العاده» مطرح نموده و در ادامه به نمونه‌هایی از سیره معصومین (ع) اشاره کرده است، اما تربیت عبادی محوریت مباحث را در آثار مذکور به خود اختصاص داده است. این در حالی است که استفاده از روش عادت‌سازی در ساحت‌های دیگر تربیتی جای بحث و بررسی دارد.

از این رو، پژوهش پیش رو، ضمن تأکید بر متون اسلامی و جدیدترین آثار موجود درباره روش عادت و حکم فقهی آن، گامی جلوتر نهاده و پس از مباحث مفهوم‌شناسی و مبانی نظری و اشاره به دیدگاه کارشناسان حوزه تربیت، درباره روش عادت، به تبیین فقهی روش عادت در سه حوزه عبادات، فضایل اخلاقی و معاملات کودکان پرداخته است.

الف. مفهوم شناسی و مبانی نظری تحقیق

۱/ الف. کودک

۱/۱/ الف. کودک در لغت

در فرهنگ فارسی، کودک به معنای کوچک و برگرفته از کلمه «کوتک» در زبان پهلوی است (دهخدا، ۱۳۷۷: واژه کودک).

در عربی، واژه «طفل» (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۴۰۱/۱۱)، مترادف کودک و واژه «صبی» نیز گاه به معنای «کودک» (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۶۰/۱) به کار می‌رود. انتهای دوره «صبابت» در لغت عرب، «سن تمیز» یا «سن بلوغ» است (اعرافی، ۱۴۰۰: ۱۶۸).

۱/۲/ الف. کودک در اصطلاح

کودک یا طفل، در فقه شیعه و اهل سنت به فردی اطلاق می‌شود که به بلوغ شرعی نرسیده باشد (خمینی، ۱۴۰۸: ۱۲/۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۴۴۶۷/۶) بنابراین، منظور از کودک در این پژوهش افراد زیر سن بلوغ است.

کنوانسیون حقوق کودک، مصوب سال ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ماده یکم، کودک را افراد زیر ۱۸ سال معرفی کرده است. در تبصره یک قانون ۴۹ مجازات اسلامی

مقرر شده است: منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. بلوغ شرعی بر اساس تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی برای پسر ۱۵ و برای دختر ۹ سال تمام قمری است. علمای حقوق ذیل واژه بلوغ پس از ذکر ویژگی‌های بلوغ آورده‌اند: «اگر این ویژگی‌ها در کسی به‌منصه ظهور و مشاهده نرسد، کودک است و الا نوجوان یا جوان خواهد بود. در اصطلاح، «صغیر» به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمانی و روحی لازم برای زندگانی اجتماعی نرسیده باشد» (طاهری، ۱۳۷۶: ۱/۱۲۴).

کودک از لحاظ روان‌شناسی یعنی فردی که هنوز هوش هیجانی کافی برای زندگی را به‌دست نیاورده است. روان‌شناسان با در نظر گرفتن سه دوره کودکی معتقدند: «دوران کودکی از بدو تولد تا ۶ سالگی، دوران بچگی از ۶ تا ۱۲ سالگی و دوران بلوغ از ۱۲ تا ۱۸ سالگی است» (شریعتمداری، ۱۳۷۵: ۱۱۵).

۲/ الف. تربیت

۱/ ۲/ الف. تربیت در لغت

تربیت مصدر باب تفعیل و بر وزن «تفعله» است. درباره ریشه لغت تربیت احتمالات مختلفی وجود دارد. احتمال اول این‌که تربیت به معنای «گرداندن و پروراندن پی در پی چیزی تا حد نهایت» و ریشه آن «رَبَّ يَرْبُ» و مضاعف باشد (راغب، ۱۴۱۲: ۳۳۶). احتمال دوم این‌که تربیت به معنای زیاد شدن و رشد کردن، از ریشه «رَبَّ يَرْبُ» و ناقص باشد (ابن‌منظور، همان، ۱۴/۳۰۴). برخی احتمال سومی را هم مطرح کرده‌اند و ریشه آن «رَبَّ يَرْبُ» و مهموز دانسته‌اند و ضمن بیان این احتمال معتقدند قول دوم صحیح است (وکیلی، ۱۴۰۰: ۴۵).

۲/ ۲/ الف. تربیت در اصطلاح

شریعتمداری، تربیت را به معنای آمادگی می‌داند (شریعتمداری، ۱۳۷۳: ۷۹). جان‌دیویی، تربیت را به معنای تجدید سازمان تجربی معرفی می‌کند (همان). جان‌لاک، تربیت را به معنای پرورش قوای ذهنی؛ قوه ادراک، حافظه، یادآوری، تداعی معانی، دقت، اراده، تخیل و تعقل می‌داند (کاردان، ۱۳۷۹: ۲۰۷). همچنین از منظر برخی، «تربیت عبارت است از مجموعه اعمال یا تأثیرات عمدی

و هدف‌دار یک انسان بر انسان دیگر، به‌ویژه عمل یا تأثیر فرد بالغ مجرب بر کودک و نوجوان به‌منظور ایجاد صفات اخلاقی و عملی یا مهارت‌های حرفه‌ای» (پژوهشگاه حوزه، ۱۳۸۶: ۳۶۶). برخی معتقدند، در کلام فقها معنای اصطلاحی خاصی برای تربیت یافت نمی‌شود (لنکرانی، ۱۳۸۶: ۲۵۸/۳). آورده‌اند: «تربیت، انجام شئون کودکان به گونه‌ای است که منجر به رشد جسمی، علمی و عقلی ایشان شود و تدبیر امور کودکان در جهت رشد آن‌ها به‌شکلی که مصلحت دنیوی و اخروی آن‌ها را دربرداشته باشد» (همان). به‌نظر می‌رسد تعریف ذیل نسبت به تعاریف فوق جامع باشد:

«فرایند یاری‌رسانی به‌متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره‌ی زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به‌واسطه‌ی عامل انسانی دیگر به‌منظور دست‌یابی وی به‌کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد» (اعرافی، ۱۳۹۱: ۷-۲۸).

۳/۲/الف. عادت

۱/۳/۲/الف. عادت در لغت

عادت از ریشه‌ی عود است و چنین معنا شده است: «الرجوع الی الشیء بعد انصراف عنه» (راغب، ۱۴۱۲: ۵۹۳). همچنین «عادت، اسمی برای تکرار فعل و انفعالات است، تا جایی که منجر به سهولت و مانند طبیعت گردد و برای همین گفته شده که عادت، طبیعت دوم است» (همان، ۳۵۲). در منابع دیگری نیز عادت به‌معنای تکرار فعل، معنا شده است و برای همین اعاده‌ی نماز یعنی دوباره انجام دادن آن (طریحی، همان: ۳/۱۱۰).

در آیات قرآن کریم، با واژه‌های مختلفی به «عادت» اشاره شده است:

الف. واژه‌های مترادف عادت؛ مانند واژه «دأب» که در لغت‌شناسی به‌مفهوم عادت به‌کار رفته است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۸۷/۳). در تفسیر آیات (آل عمران/۱۱؛ انفال/۵۲، ۵۴). این واژه به‌عادت تفسیر شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۲/۹). یا واژه «خلق» نیز در برخی فرهنگ‌نامه‌های قرآنی (قرشی، ۱۳۷۱: ۲/۲۹۴) و تفاسیر (عاملی، ۱۳۶۰: ۸/۳۳۵) به‌عادت تعبیر شده است (قلم/۴).

ب. واژه‌های دارای اشتراک معنایی است مانند سنت، عرف و همچنین واژه شاکله که به‌عنوان نمونه در آیه ۸۴ سوره مبارکه اسرا به‌خوبی معنا شده است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۴/۱۹۸).

امروزه در زبان فارسی، واژه عادت مترادف «خوی» به‌کار می‌رود. واژه‌نامه‌های فارسی نیز لغت عادت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «آن چه انسان به آن خو می‌گیرد و در وقت معین انجام می‌دهد، عادت نامیده می‌شود» (عمید، بی تا: ۸۱۷).

۲/۳ الف. عادت در اصطلاح

از آن‌جا که عادت نوعی رفتار شمرده می‌شود، در فرهنگ‌ها و منابع روان‌شناسی نیز تعاریفی درباره آن ارائه شده است: «عادت، عمل اکتسابی یا آموخته‌ای است که به‌طور منظم و بدون کم‌ترین کنترل ارادی تکرار می‌شود» (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵: ۱۸۹). همچنین «عادت عبارت است از استعداد اکتسابی صدور آسان و سریع حرکات یا تحمل و برتافتن آسان تأثیرات» (سیاسی، ۱۳۵۵: ۴۸۰).

در میان روان‌شناسان غربی نیز تلاش‌هایی برای تفهیم معنای عادت، رخ داده است. ویلیام جیمز می‌گوید: «عادت، چرخ عظیمی است که اجتماع را می‌گرداند و عامل مهمی است که در اجتماع پایداری ایجاد می‌کند» (نرمال، ۱۳۵۴: ۱۰۴).

به نظر می‌رسد پیچیدگی و تنوع ابعاد بحث عادت، مانع ارائه تعریفی واحد، جامع و کامل شده است.

۴/الف. روش عادت

«روش» در لغت به‌معنای راه، طریقه، سبک، قاعده و قانون است (دهخدا، ۱۳۷۷: ماده روش). روش در اصطلاح، مفهومی کاربردی است که نحوه عمل را ترسیم می‌کند و مراحل چگونگی پیمودن راه را برای رسیدن به‌هدف‌های مدنظر معلوم می‌نماید؛ اما «روش تربیتی» به‌معنای شیوه‌ها و رفتارهایی است که مربی برای تحقق‌بخشیدن به‌اهداف تربیتی به‌کار می‌بندد (هوشیار، ۱۳۳۵: ۲۲).

برخی ادعا کرده‌اند در تعلیم و تربیت، دو روش عمده مطرح است: «روش عقلانی» مبتنی

بر استدلال و تفکر و تحلیل و روش دیگر «عادت دادن» است. آغاز فرایند تربیت در منابع علوم تربیتی و روان‌شناسی، دوره کودکی است و ظرفیت رشد، تغییر و تربیت در سنین پایین‌تر بیشتر است. بنابراین، از آن‌جا که در دوره کودکی، قوه عقلانی به حد لازم رشد نکرده است، روش عادت دادن، مناسب دوره کودکی است (اشرف جودت، ۱۳۷۸: ۱۶۵).

تاکنون انواعی برای روش عادت‌دهی ذکر شده است:

- الف. عادات مربوط به حرکات عضلانی (جسم): مانند خوردن، پوشیدن، بازی، ...
- ب. عادات مربوط به وجدانیات مانند عواطف انسانی؛
- ج. عادات مربوط به تفکرات و عقلانیت: مانند تفکرات دینی و فقهی؛ د. عادات مربوط به اخلاق: مانند زهد، صبر، شجاعت و... (حجتی، ۱۳۷۱: ۱۰۸).
- برخی تقسیم دیگری برای عادات ارائه داده‌اند: الف. عادات معنوی یا روحی، ب. عادات عملی یا عضوی، ج. عادات فکری یا غریزی، د. عادات حیاتی یا زیستی (صبوری، ۱۳۶۰: ۲۱).
- استاد مطهری نیز به روش عادت اشاره و تشکیل عادت را به دو بخش فعلی و انفعالی تقسیم نموده‌اند (مطهری، ۱۳۷۱: ۸۹).

شاید بتوان با الهام از این تقسیم، روش عادت‌دهی را به دو قسم فعلی و انفعالی تقسیم کرد. با این تبیین که در روش فعلی، به ساختن انسان و شکل دادن او به صورتی که مدنظر و مطلوب است، می‌پردازیم در حالی که در روش انفعالی، به رشد استعدادها و موجود شخص و پرورش آن اهتمام می‌ورزیم. برخی معتقدند، استفاده از روش عادت، مرحله تکوین و ثبات رفتار است (جعفریان، ۱۳۸۳: ۱۸).

می‌توان گفت: روش عادت، روشی است که با آن فردی را به پذیرش و کسب رفتاری تحریک و تشویق کنیم، به گونه‌ای که در درازمدت منجر به تغییری مطلوب و پایدار شود.

ب. تبیین روش عادت در تربیت کودکان از منظر صاحب‌نظران

در باره عادت و ارتباط آن با ابعاد مختلف تربیت و تکامل انسان، فیلسوفان و دانشمندان زیادی مانند دکارت، جان لاک، برکلی، دیوید هیوم، هربرت اسپنسر، پل فوکیله، ژان ژاک روسو،

موريس دوبس، ویلیام جیمز، جان دیویی، خواجه نصیرالدین طوسی، احمدصبور اردوبادی، محمدتقی جعفری و... به تحقیقات و مطالعات گسترده‌ای اقدام نموده‌اند (گودرزی، ۱۳۷۷: ۷). در رابطه میان عادت و تربیت، بسیاری از دانشمندان غربی و مسلمان، موافق روش عادت هستند. ابن سینا و غزالی از بزرگانی هستند که درباره این روش سخن گفته‌اند (ابن سینا، بی تا: ۴۵؛ غزالی، بی تا: ۱۱).

ویلیام جیمز از جمله افراد مشهوری است که درباره عادت، نظریاتی ارائه داده است. وی، عادت جسم و ذهن را به هم پیوند می‌دهد و انتخاب، عمل و شخصیت را به یکدیگر مربوط می‌کند. به نظر وی، کار عادت صرفه‌جویی و ساده کردن اعمال است. عادت، همه ما را حول محوری که تربیت شده‌ایم با انتخاب گذشته‌مان به نبرد با زندگی و دنبال کردن راهی محکوم می‌کند که علی‌رغم میل ماست (اسکفلر، ۱۳۶۶: ۱۶۳). او درباره عادت می‌گوید: «نود و نه درصد فعالیت‌های انسان از هنگام بیداری تا خواب مجدد، نتیجه عادت است» (گودرزی، همان: ۹). از این رو، ویلیام جیمز مانند بسیاری از دانشمندان غربی از مدافعان و حامیان نظریه عادت است.

در میان اندیشمندان حوزه تربیت با رویکرد اسلامی نیز صاحب‌نظران زیادی خود را موافق روش عادت‌دهی معرفی کرده‌اند. فلسفی می‌نویسد: «برای این که کودکان از اول مؤمن و خداپرست تربیت شوند، لازم است میان جسم و جان آن‌ها نیز از نظر ایمان هماهنگی برقرار باشد. به همین جهت، اسلام از طرفی پدران و مادران را مکلف نموده است که فرزندان را به خدا متوجه کنند و به آنان خداپرستی و تعالیم دینی را بیاموزند و از طرف دیگر دستور داده است اطفال را به نماز و عبادات تمرینی وادارند» (فلسفی، ۱۳۸۷: ۱۸۶/۲).

خسرو باقری به خصیصه «ظهور تدریجی شاکله» و اصل «مداومت و محافظت عمل» در تربیت اشاره کرده است. وی برای عادت و مداومت، نقش تربیتی مطلوبی قایل است (باقری، ۱۳۸۳: ۹۳-۹۷). علی نقی فقیهی در بیان فلسفه عادت می‌گوید: «شاید این بدان علت باشد که این عمل آثار روانی و تربیتی بسیار مفیدی را در کودک به جای می‌گذارد. گرایش فطری کودک را به خدا و پرستش رشد می‌دهد و نخستین بذر نماز را در دل کودک می‌کارد. این عمل

زمینه‌ساز شخصیت مطلوب او- در بزرگسالی - است» (فقیهی، ۱۳۸۴: ۳۰). ابراهیم امینی نیز ضمن تأکید به دستورات اسلام در زمینه عادت دادن کودکان به عبادات، به تأخیر انداختن تمرین و عادت را موجب دشواری انجام تکالیف برای کودکان می‌داند (امینی، ۱۳۸۵: ۲۵۱). علی‌همت بناری در تبیین اهمیت عادت‌دهی می‌نویسد: «در فقه احکامی برای کودکان وضع شده است تا نوعی تمرین و آماده‌سازی برای آنان به حساب آید و در پرتو این تمرین با تکلیف آشنا شده و به تدریج به انجام آن‌ها عادت نمایند و هنگام بلوغ به آسانی به احکام الزامی تن دهند» (بناری، ۱۳۸۳: ۱۳۳).

در مقابل، می‌توان به برخی دیدگاه‌های مخالف اشاره کرد؛ همچنان‌که ادعا کرده‌اند، کانت و روسو مخالف عادت می‌باشند (گودرزی، همان: ۴۵).

در برخی تحقیقات به عمل آمده، دیدگاه این دو دانشمند بررسی شده و در نهایت، ادعای فوق مردود شمرده شده است. همچنان‌که آورده‌اند: «برخلاف دیدگاه رایج درباره روسو، وی با ایجاد عادت موافق است و آن‌چه وی با آن مخالف است، عادات منفی یا بد است. در مجموع روسو تربیت را همان ایجاد عادت می‌داند. کانت نیز میان عادت فعلی و انفعالی فرق نهاده است و وی عادت فعلی را لازم دانسته و عادت انفعالی را رد کرده است» (رفیعی، کاویانی، ۱۳۹۸: ۱۲). در میان دانشمندان ایرانی مسلمان نیز، مواردی از مخالفت با عادت مشهود است. به عنوان نمونه، عین‌القضات همدانی، شاگرد غزالی، عارف عادت‌ستیز معرفی شده است. او هر طاعتی را اگر از سر عادت باشد، فاقد ارزش می‌شمرد و با استناد به روایت «بعثت لرفع العادات» (کاشانی، بی‌تا: ۱۴۸). معتقد است حتا هدف و انگیزه انبیا، مبارزه با عادت بوده است (حسنی، ۱۳۸۵: ۷۱). به نظر می‌رسد این‌گونه مخالفت‌ها، ناظر بر عادات ناپسند است؛ همچنان‌که در میان روایات و متون اسلامی نیز مخالفت‌هایی با عادت مشاهده می‌شود که تفسیر و توجیهی غیر از این ندارد. به این ترتیب، روش عادت‌دهی از سوی اکثریت کارشناسان حوزه تربیت پذیرفته شده است.

ج. تبیین عادت در تربیت کودکان از منظر فقیهان

یکی از اهداف نهفته در روش عادت، آماده‌سازی کودکان برای دورانی است که تکالیف شرعی

برای ایشان الزامی خواهد بود. اصل آماده‌سازی به‌عنوان یک اصل مهم تربیتی در تربیت عبادی و دینی کودک مطرح است.

روش عادت دادن یا عادت‌سازی برای تحقق دادن به اصل یا مرحله آماده‌سازی، از جایگاه اساسی برخوردار است که در کلام فقها به آن تصریح و حتا به حکم فقهی آن اشاره شده است (لنکرانی، همان: ۳/۳۶۹). ایشان «روش عادت» را از محکم‌ترین روش‌های تربیتی برشمرده است و نقش آن را در همه امور و افعال خیر، مهم و استفاده از این روش تربیتی را بر والدین لازم دانسته است (همان: ۴۴۹). بنابراین، روش عادت به‌عنوان یک روش تربیتی از سوی فقها پذیرفته شده است. از این رو مناسب است روش عادت دادن کودکان از منظر فقه تربیتی در سه حوزه عبادات، فضایل اخلاقی و معاملات تبیین شود.

۱/ ج. تبیین روش عادت از منظر فقه تربیتی در حوزه عبادات

از جمله مباحثی که در آن روش عادت‌دهی با وضوح بیشتری رخ می‌نماید، بحث عبادات تمرینی است. بسیاری از فقیهان بر مسأله آماده‌سازی و تمرین کودکان در دوره کودکی نسبت به تکالیف عبادی تأکید کرده‌اند.

هدف از تربیت عبادی در دوره کودکی، پرورش و تقویت روحیه عبادی و ایجاد آمادگی برای «تکلیف‌پذیری» و تشویق کودکان به انجام تکالیف عبادی است. برای تحقق این هدف، می‌توان بر اساس برنامه‌ای منظم، بدان جامعه عمل پوشاند؛ زیرا اگر کودک یک‌مرتبه و بدون آمادگی قبلی مکلف به تکالیفی شود، طبیعی است که از عهده آن برنمی‌آید و چه بسا میزان تکلیف‌پذیری او نیز پایین آید و یا تکالیف را بدون انگیزه و به‌صورت ناقص انجام دهد. برخی محققان و فقیهان در خلاقیتی ستودنی، با دسته‌بندی روایات تربیت عبادی بر اساس سن کودک، به سه مرحله اشاره کرده و روش عادت را مرحله سوم عنوان نموده است (اعرافی، ۱۳۹۲: ۵۵). به نظر می‌رسد نمی‌توان تنها مرحله سوم را عادت‌دهی نامید. چون عادت‌دهی فرایندی است که از مراحل قبل آغاز می‌شود و با گذشت زمان و تمرین، ثابت و ماندگار می‌شود.

اگرچه بسیاری از تحقیقات بر روی عادت دادن کودکان به عباداتی مانند نماز و روزه متمرکز

شده است، اما نمونه‌های دیگری از عبادات نیز در کلام فقها به چشم می‌خورد. چنان‌که درباره لزوم عادت دادن مردم به تلاوت قرآن (شیرازی، ۱۴۲۷: ۴۲۸). عادت دادن فرزندان به تسبیحات فاطمه زهرا (س) در برخی روایات (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۷۵/۲)، همچنین سیره ایشان در عادت دادن فرزندان به بیداری در شب‌های قدر (ابن‌حیون، ۱۳۸۵: ۲۸۲/۱) و عادت دادن فرزندان به قضا کردن نافله در سیره امام سجاد (ع) سخن به میان آمده است (اربلی، ۱۳۸۱: ۷۵/۲).

از آن‌جا که استفاده از روش «عادت‌دهی» از منظر فقهی در حوزه عبادات امری پذیرفته شده است، بررسی تفصیلی ادله و مبانی ایشان در این نوشتار موجب اطمینان است؛ از این رو ارائه دیدگاه‌ها در قالب دسته‌بندی نظر ایشان مناسب به نظر می‌رسد:

۱/۱/ج. وجوب عادت دادن کودکان به عبادات

برخی فقیهان معاصر به استناد کلام علامه (حلی، ۱۴۱۹: ۳۱۸/۱) و شیخ طوسی در خلاف (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۰۵/۱)، به احتمال وجوب عادت دادن اشاره کرده‌اند (لنکرانی، همان: ۴۵۴/۳). علامه در «تذکره» با بیان دیگری به عادت دادن کودک در تربیت عبادی تصریح کرده‌اند (حلی، ۱۴۱۴: ۳۳۵/۴).

برخی دلالت ادله قرآنی بر وجوب تربیت عبادی فرزندان را مربوط به قبل از بلوغ و دوره کودکی دانسته و معتقدند ظهور آیات به این احتمال نزدیک‌تر است (اعرافی، ۱۳۹۲: ۵۶).

از انتهای کلام شیخ طوسی (ره) و اشاره وی به دیدگاه شافعی می‌توان موافقت فقهای اهل سنت را با لزوم عادت‌دهی و تمرین در تربیت کودکان ادعا کرد.

گفتنی است در میان دیدگاه فقها درباره حکم فقهی روش عادت در عبادات، قول به وجوب فی الجمله نیز وجود دارد؛ با این توضیح که این وجوب تا حدی است که کودک با ممارست به نماز عادت کند و از آن‌جا که ایجاد عادت در ابتدا با وادار کردن همراه است، عادت دادن از شیوه‌های عملیاتی الزام شمرده می‌شود (اعرافی، ۱۳۹۵: ۲۶۹).

۱/۲/ج. استحباب عادت دادن کودکان به عبادات

استحباب عادت دادن کودکان به همه عبادات (فرائض و نوافل) از سوی بسیاری از فقها مطرح

شده است (فیاض، بی تا: ۳۰۲/۱؛ همو، بی تا: تعالیق مبسوطه، ۳/۴۱۰؛ سیستانی، ۱۴۱۷: ۱/۲۴۹؛ منتظری، ۱۴۱۳: ۲۴۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: مسأله ۱۲۰۴؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۲۹: ۲۷۶).

صاحب عروه، استحباب تمرین و عادت دادن کودکان را برای همه عبادات ذکر نموده است (یزدی، بی تا: ۲/۲۲۷). فقهای مانند علامه حلی در نوشته‌های خود بابتی با محوریت استحباب تمرین و عادت دادن کودکان به عباداتی مانند روزه دارد (حلی، ۱۴۲۰: ۱/۴۸۷).

در بحث گذشته، با استناد به قول علامه در بحث نماز تمرینی، احتمال وجوب عادت دادن بررسی شد. حال با صراحت کلام وی در بحث روزه مبنی بر استحباب عادت دادن و تمرین می‌توان دو احتمال را در دیدگاه علامه قایل شد. یا به‌طور کلی، از نظر وی عادت و تمرین دادن کودکان به عبادات مستحب بوده و یا بحث تمرین در نماز و روزه با یکدیگر متفاوت است؛ یعنی عادت دادن به نماز واجب و به روزه مستحب است. در بیان فخرالمحققین (حلی، ۱۳۸۷: ۱/۱۴۸؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴: ۲/۴۹۷، ۳/۷۴)، نیز به صراحت استحباب تمرین و عادت دادن کودک به نماز ظهور دارد. برخی فقها نیز با بیان احتمال وجوب و استحباب، استحباب را در تمرین به نماز و روزه اولی دانسته‌اند (عاملی، ۱۴۲۷: ۳/۱۵۳).

با نزدیک شدن به دوره فقهای معاصر، افزون بر این که اقوال فقها درباره عادت دادن کودکان از صراحت بیشتری برخوردار است، دیدگاه ایشان دارای دامنه وسیع‌تر و نظم مناسب‌تری است. برخی فقها درباره عادت دادن اطفال به نماز اول وقت، نماز جماعت، نماز عید و جمعه، نماز شب، روزه و... به استحباب فتوا داده و به آیات و روایاتی در هر یک از این زمینه‌ها استناد نموده‌اند (لنکرانی، همان).

بنابراین، به‌طور کلی فقیهان شیعه و سنی به روش عادت و احتمال وجوب یا ظهور استحباب آن در ساحت عبادی اشاره کرده‌اند.

با توجه به مجموع نظرات و ادله مطرح شده و صراحت موجود در دیدگاه پژوهشگران معاصر (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۱۷: ۴/۲۷۸)، از میان دو دیدگاه مذکور، قول الزام و وجوب تمرین و عادت دادن کودکان به نماز و روزه تقویت می‌شود و تعمق در کلام فقهای گذشته و معاصر، تسالم فقها را در این باره نشان می‌دهد.

د. تبیین روش عادت از منظر فقه تربیتی در حوزه فضایل اخلاقی

با تأمل در آیات و روایت‌های معصومان (ع) و عالمان اخلاق، رجحان و اهمیت عادت دادن کودک به فضایل اخلاقی روشن و ظاهر است.

۱/د. آیات

علامه در تفسیر آیه ۳ سوره مبارکه حجرات^۱، امتحان پروردگار را به معنای عادت و تمرین معنا کرده‌اند (طباطبایی، همان، ۱۸/۶۳۳) البته مفسران بزرگوار دیگری نیز به این نکته اشاره نموده‌اند (مکارم شیرازی، همان: ۸/۱۱۲؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۱۰/۲۷۱).

از نگاه وی «علمی که به منظور عمل کردن و به کار بستن فراگرفته می‌شود، وقتی می‌تواند در مرحله عمل به طور کامل نتیجه دهد که فراگرفتنش در ضمن تمرین و آزمایش باشد.» (طباطبایی، همان: ۶/۳۶۸)

تفسیر کاشف ذیل آیه شریفه ۱۰۳ سوره مبارکه آل عمران^۲، با بیان مطلبی از جعفر بن ابیطالب عادات ناپسند جاهلیت عرب را برمی‌شمرد و سپس بعثت پیامبر مکرم اسلام را عامل اصلاح و تغییر آن عادات معرفی می‌کند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲/۱۲۳).

آیه معروف «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱) صراحتاً بر امکان تغییر انسان و خو گرفتن به عادات پسندیده و ترک عادات ناپسند دلالت می‌کند. در آیه ۵۸ سوره مبارکه نور به اجازه گرفتن کودکان هنگام ورود به خلوت پدر و مادر در سه وقت از روز تأکید شده است. برخی مفسرین، ظهور این آیه را در تمرین و عادت دادن کودکان به حیا و عفت دانسته‌اند (کاشانی، ۱۳۳۶: ۶/۳۱۷).

توصیه و تأکید بر عادت کردن به صفات پسندیده‌ای چون صبر، عدالت (طباطبایی، همان: ۱/۳۶۳ و ۵۳۴) و تمرین برای مقاومت و انجام مأموریت (قرآنی، ۱۳۸۳: ۱/۳۹۰ و ۵۱/۷)

۱. «إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ».
 ۲. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ».

در تفاسیر آیات دیده می‌شود. همچنان‌که فخر رازی یکی از وجوه تفسیر عبارت مبتلیکم بنهر (بقره/۲۴۹) را ظهور در عادت دادن به صبر دانسته است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶/۵۰۹).

۲/د. روایات

در روایت مشهوری به پاکی و آمادگی نهاد و درون کودکان برای عادت دادن به صفات و اعمال شایسته اشاره شده است: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ، وَ يَشْتَغَلَ لُبُّكَ؛ دَلْ كَوْدَكَ مِثْلَ مَنْ خَالِي خَالِي أَسْتَكْهُرُ» چه در آن افکنده شود، آن را می‌پذیرد. از این رو، من پیش از آن که دلت سخت گردد و خردت مشغول شود، به تادیب و تربیت تو شتافتم» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

همچنین در روایات متعددی عادت دادن به برخی فضایل اخلاقی و صفات نیکو مانند بردباری (نهج البلاغه، نامه ۳۱) بخشندگی «عَوَّدَ نَفْسَكَ السَّمَّاحَ»، نرم‌گویی «عَوَّدَ لِسَانَكَ لِيَنَّ الْكَلَامَ»، خوب شنیدن «عَوَّدَ أُذُنَكَ حُسْنَ الْاسْتِمَاعِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۵۷-۴۵۸) و تعلیم برخی آداب به فرزندان مانند نظافت، طعام، مصاحبت، رعایت حقوق مردم (لنکرانی، همان: ۴۸۰-۵۲۰) توصیه شده است.

واضح است در این روایات اگر ظهور صیغه امر را بر وجوب نپذیریم، دست‌کم رجحان و یا استحباب عادت دادن مطرح است.

اگرچه روایات غررالحکم بدون سند ذکر شده است؛ اما در میان فقیهان و محدثان شیعه این کتاب از جایگاه خاصی برخوردار است؛ همچنین نهج البلاغه نیز به‌عنوان یک منبع روایی معتبر نزد شیعه و سنی پذیرفته شده است. در کنار این روایات دیدگاه علمای اخلاق و برخی بزرگان درباره عادت می‌تواند به‌عنوان موید باشد.

با ضمیمه کردن این روایات به ادله لزوم آموزش و تربیت کودکان، می‌توان دلالت روایات را بر رجحان و استحباب عادت دادن کودکان به فضایل اخلاقی دریافت. دیدگاه علمای اخلاق، فقها و تأکید ایشان پیرامون عادت دادن کودکان به برخی فضایل اخلاقی شاهدهی بر این حکم فقهی است. برای نمونه مرحوم نراقی می‌نویسد: «شخصی که به‌دشنام دادن عادت دارد و این

ویژگی به صورت یک ملکه نفسانی در او رسوخ پیدا کرده است، باید سخن نیکو به زبان بیاورد و خوش‌گفتاری را پیشه خویشتن قرار دهد تا از این رهگذر به خوش‌گفتاری عادت کند» (نراقی، بی تا ۲/۲۹۶).

مرحوم فلسفی نیز ضمن تأکید بر تأثیر عادت و امکان چیره شدن عادات بر غرایز انسان، معتقد است: «موقعی که آداب و رسوم بر اثر تکرار و ممارست رنگ عادت به خود می‌گیرد و به صورت خلق و خوی ثابت در می‌آید، آدمی بر طبق آن از سرمایه‌های طبیعی خود استفاده می‌کند و به آسانی غرائز در مجاری عادات به جریان می‌افتند» (فلسفی، ۱۳۸۷: ۱۴۴-۱۵۰).

حسینی حائری، عادت دادن به مشورت را مورد تأکید قرار داده‌اند (حائری، ۱۴۲۴: ۱۷۸). همچنین، در کلام فقیهان مواردی از لزوم عادت دادن کودکان به حیا و عفاف مشاهده می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷: ۶۱/۷). در این زمینه به روایات معصومان (ع) درباره اجتناب از بوسیدن (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲/۲۳۰؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۴۳۷)، در آغوش گرفتن نامحرمان خردسال (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۳۳) و یا جدا بودن رختخواب کودکان از یک‌دیگر (ابن بابویه، همان: ۴۳۶)، استناد شده است.

در میان دیدگاه‌های فقیهان اهل سنت نیز، مذهب شافعی کاری را که موجب عادت کردن کودک به پستی و فرومایگی می‌شود، نهی کرده است (جزیری، ۱۴۱۹: ۳/۳۵۵). بنابراین، فقیهان و عالمان استفاده از روش عادت را در اخلاقیات پذیرفته و عادت دادن کودکان به فضایل اخلاقی و پرهیز از عادات ناپسند مورد سفارش ایشان است. از این رو، می‌توان در حوزه فضایل اخلاقی دست‌کم استحباب عادت دادن کودکان را پذیرفت.

ه. تبیین روش عادت از منظر فقه تربیتی در حوزه معاملات

امروزه تربیت اقتصادی کودکان و احکام آن یکی از مسایل مهم پژوهشی در فقه تربیتی است. به نظر می‌رسد قبل از ۴ یا ۵ سالگی زمان مناسبی برای این منظور نیست؛ چرا که کودک درک درستی از موضوعات اقتصادی ندارد؛ اما از ۵ سالگی به بعد زمینه آن وجود دارد. لازم به یادآوری است تمرین و عادت دادن و آشنا کردن فرزندان با مسایل اقتصادی با بحث

جواز معامله با کودکان و صحت و نفوذ آن متفاوت است؛ اگرچه حکم جواز معامله با کودکان با شرایطی که از سوی برخی فقیهان اعلام شده است (حکیم، بی تا: ۱۸۴). به اثبات جواز تمرین و عادت دادن کودکان به معاملات کمک می نماید.

از منابع اسلامی می توان ادله ای مبنی بر حکم فقهی عادت دادن کودک به معاملات و آداب آن استخراج نمود. این ادله گاهی به طور عام حاکی از اهمیت روش عادت و تأثیر آن در تربیت کودک است و گاهی به طور خاص به مشاغل و فعالیت های اقتصادی و اهمیت عادت دادن کودک به آن اشاره دارد. از جمله:

۱/ ه. آیات قرآن کریم

۱/۱. ه. اطلاق و عمومیت آیه شریفه «قوا انفسکم و اهلیکم نارا» (تحریم/۶). «قُوا» از ریشه «وقی» به معنای حفظ و صیانت است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۲۰۳/۱۳؛ طریحی، بی تا: ۴۴۹/۱). قدر متیقن از مفهوم «اهل»، فرزندان و کودکان است و طبق این آیه شریفه، شارع مقدس حفظ اعضای خانواده به ویژه فرزندان از عذاب الهی را بر عهده والدین نهاده است. این امر جز با تربیت تدریجی و توجه به دوران کودکی و دوران پیش از بلوغ میسر نیست. تربیت اقتصادی به عنوان یکی از ساحت های تربیتی، بایستی در تربیت فرزند مدنظر قرار گیرد، چرا که بی توجهی به آن می تواند زمینه برخی گناهان و ارتکاب برخی محرمات مانند ربا، رشوه، اسراف و در نهایت عذاب اخروی را به دنبال داشته باشد. توجه به حلال و حرام از جمله مسایل مهم زندگی است که باید از همان دوران کودکی به شکل مداوم و عادت گونه در تربیت فرزندان مورد توجه قرار گیرد. منظور از استفاده از روش عادت در تربیت اقتصادی، تنها گمردن کودکان به مشاغل و تجربه تجارت و خرید و فروش از سوی ایشان نیست، بلکه مداومت و استمرار رعایت اصول اقتصاد صحیح و اسلامی در کانون خانواده و اهتمام به مسایلی مانند خمس، قناعت، پرهیز از اسراف و... است که مصداق عمل به آیه شریفه است و منجر به موفقیت والدین در تربیت اقتصادی کودکان می گردد. با توجه به دلالت آیه بر وجوب، می توان به دلالت التزامی، وجوب و الزام استفاده از روش عادت را در تربیت کودکان و آن هم در حوزه معاملات و مسایل اقتصادی، ادعا کرد.

۱/۲ هـ. طبق این آیه شریفه «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ» (بقره/۲۳۳). پدر و مادر هیچ‌کدام حق ضرر زدن به کودک را ندارند. هر چند این آیه در مورد شیر دادن به کودک آمده است، اما مورد، مخصّص نیست. بنابراین، والدین که بیشترین حق را نسبت به فرزند دارند، مکلفند مانع ضرر رسیدن به‌وی شوند. یکی از مصادیق ضرر زدن به کودک، می‌تواند عادت ندادن وی به مسایل اقتصادی و آداب معاملات باشد؛ چرا که این امر موجب زیان دنیوی و از آن مهم‌تر زیان اخروی او خواهد شد. از این رو، تربیت اقتصادی و استفاده از روش عادت‌دهی دست‌کم جایز است.

۱/۳ هـ. در دیدگاه برخی مفسران، ظهور آیه «وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (نساء/۶)، به اهمیت معاملات پیش از بلوغ تصریح دارد: «از تعبیر «حتی» استفاده می‌شود که باید آزمایش یتیمان، پیش از رسیدن به حد بلوغ و به‌صورت مکرر و مستمر انجام شود، تا درآستانه بلوغ وضع آن‌ها از نظر رشد عقلی روشن گردد؛ منظور از آزمایش، پرورش تدریجی یتیمان است، یعنی نگذارید آن‌ها به حد بلوغ برسند و سپس اقدام به سپردن اموال‌شان به آن‌ها بکنید بلکه آن‌ها را قبل از بلوغ با برنامه‌های عملی، برای زندگی مستقل آماده کنید. راه آزمایش یتیمان آن است که مقداری مال با نظارت در اختیار آن‌ها گذارده شود و به خرید و فروش بپردازند، هنگامی که معلوم شد از عهده این کار برمی‌آیند، باید اموال‌شان را به‌دست‌شان سپرد. باید آن‌ها را چنان آماده کرد که بتوانند در آینده زمام زندگی خود را به‌دست گیرند» (مکارم، همان: تلخیص ۲۷۱/۳).

همچنین برخی مفسران به مصادیق آزمایش پیش از بلوغ اشاره کرده‌اند: «این آزمایش به‌قرینه مقام، راجع به امور مالی است، مانند وادار کردن او به معاملات و خرید و فروش آزمایشی، و شناخت ثمن و مثن و نرخ اجناس» (طالقانی، ۱۳۶۲: ۶/۲۳).

اگرچه موضوع آیه مذکور «یتیم» است، اما می‌توان با الغای خصوصیت، آن را درباره همه افرادی که به سن بلوغ نرسیده‌اند مطرح کرد. حداقل جواز تمرین و تربیت اقتصادی فرزندان را از کودکی و پیش از بلوغ نتیجه گرفت.

اضافه بر این، علامه در المیزان ذیل تفسیر آیه ۳ سوره حجرات می‌فرماید: «کلمه» امتحان،

به معنای ابتلا و اختیار است، و امتحان را وقتی به کار می‌برند که بخواهند وضع چیزی که تا کنون برایشان مجهول بوده معلوم کنند، و چون این معنا در مورد خدای تعالی محال است، ناگزیر باید بگوییم که امتحان در مورد خدای تعالی به معنای تمرین دادن و عادت دادن است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۶۲/۱۸).

۱/۴ هـ. آیاتی مانند «وَ اذْکُرْ رَبِّکَ فِی نَفْسِکَ» (اعراف/۲۰۵). برخی از تفاسیر، ظهور این آیه شریفه را در استحباب ذکر و یادآوری یاد خدا پذیرفته‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۴۴۲/۳). از آن‌جا که در معنای ذکر و یادآوری مفهوم تمرین، تکرار یا استمرار نهفته است، این قبیل آیات نیز دلالت بر ترجیح عادت‌دهی دارند.

۲/۲ هـ. روایات

۲/۱ هـ. در طایفه روایات سبع سنین، روایاتی وجود دارد که دقت و تحلیل آن اهمیت عادت دادن کودکان به معاملات و تربیت اقتصادی ایشان را نشان می‌دهد. «الْغُلَامُ یَلْعَبُ سَبْعَ سِنِینَ وَ یَتَعَلَّمُ الْکِتَابَ سَبْعَ سِنِینَ وَ یَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِینَ؛ امام صادق (ع) فرمود: «لازم است فرزند هفت سال بازی کند، هفت سال خواندن و نوشتن بیاموزد و هفت سال حلال و حرام بیاموزد» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۱۲/۸؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۴۷/۶). این حدیث به دلیل راویان ثقه متعدد و بعضاً غیر امامی مانند علی بن اسباط، موثق است. واضح است یکی از بسترهای آموزش حلال و حرام به فرزندان، معاملات و عادت دادن ایشان به قوانین بازار و تجارت اسلامی است. همان گونه که قبلاً ذکر شد، برخی از فقیهان به اصل آمادگی و لزوم آن در تربیت کودکان اشاره کرده‌اند و برای اثبات مدعای خود به روایات سبع تمسک جسته‌اند (لنکرانی، ۱۳۸۶: ۳/۳۶۹).

۲/۲ هـ. از امیر مؤمنان علی (ع) نقل شده است: «بهترین چیزی که شایسته است نوجوانان آن را فراگیرند، اموری است که در بزرگسالی بدان نیازمند خواهند بود.»^۱ (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۵۹: ۳۳۳/۲۰). اگرچه اموری که آدمی در بزرگسالی به آن محتاج است، بسیار متعدد و فراوان است، اما می‌توان معاملات را به عنوان بخشی از این امور پذیرفت؛ چرا که بخش عمده‌ای از

۱. «اولی‌الاشیاء ان یتعلمها الاحداث الاشیاء الّتی اذا صاروا رجالاً احتاجوا الیها».

زندگی انسان فعالیت‌های اقتصادی و تعاملی است که در امور خرید و فروش با اجتماع دارد. ۲/۳ هـ. روایاتی که به انتخاب شغل برای فرزندان اشاره دارد «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ يَحْيَى الْخُزَاعِيِّ عَنْ أَبِيهِ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ ... فِي أَيِّ الْأَعْمَالِ أَصْعَعُهُ»؛ اسحاق بن عمار می‌گوید: «وارد بر امام صادق شدم و عرض کردم: فرزنددار شدم و پسری به دنیا آمده... گفتم جانم فدایتان. او را در چه شغلی ببرم؟ حضرت فرمود: در پنج کار قرارش نده» (کلینی، همان: ۱۱۴/۵). گرچه این حدیث مسند، به دلیل ناشناخته بودن «یحیی بن ابی العلاء خزاعی» ضعیف شمرده می‌شود؛ اما به دلیل قوت سایر روایان (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۱ و ۱۲۶) و ذکر آن به طریق دیگر توسط شیخ صدوق (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۱۵۱) و وجود مشابه آن در منابع دیگر مانند تهذیب (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۶۱/۶) و استبصار (طوسی، ۱۳۹۰: ۶۲/۳)، می‌تواند مورد توجه باشد.

روایاتی که بر ترجیح تربیت و آموزش کودکان در دوره کودکی دلالت دارند. به بحث عادت دادن کودکان به معاملات کمک می‌کند: «التعلم في الصغر كالنقش في الحجر و التعلم في الكبر كالخط على الماء؛ حکایت کسی که در کودکی می‌آموزد همانند نقش کردن بر سنگ است و حکایت کسی که در بزرگسالی می‌آموزد همانند کسی است که بر آب می‌نویسد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۲۲۴)؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸: ۱۵۶/۱). مجلسی این روایت را از کنزالفوائد کراچکی بدون ذکر روایان نقل کرده است؛ اما به لحاظ قدمت این کتاب و مقبولیت آن نزد علمای شیعه نمی‌توان به آن بی‌توجه بود.

نگاه مجموعی به این روایات می‌تواند افزون بر مشروعیت گماردن کودکان به مشاغل، به دلالت التزامی بر مشروعیت و حداقل جواز عادت دادن کودکان به معاملات حکم کند؛ چرا که دستیابی به مهارت کسب و کار و تعامل اقتصادی با جامعه، امری دفعی نیست؛ بلکه با تمرین و ممارست به دست می‌آید. عدم ردع و منع معصوم، نشان می‌دهد این روش عقلایی، امری مطلوب و قابل اجرا است.

۲/۴ هـ. با قواعدی مانند «دفع ضرر محتمل» و یا «حسن جلب منفعت»، «قاعده لاضرر» و «قاعده نفی عسر و حرج» می‌توان ادعا کرد که آموزش مسایل مهم اخروی مانند حکم شرعی

حلال و حرام و دقت در کسب و کار و معاملات و عادت دادن کودکان به آداب شرعی اقتصادی رجحان دارد. اگر فرزندان عادت کنند و بیاموزند راه‌های صحیح کسب و کار چیست و آداب و قوانین شرعی، عرفی و اخلاقی در معاملات کدامند، در زمان بلوغ و استقلال مالی، آمادگی لازم برای تعاملات و رفتارهای اقتصادی را خواهند داشت. در غیر این صورت، بیم آن می‌رود تا عادت کنند نیازهای خود را بر عهده دیگران بیندازند؛ یا افرادی حریص و بی‌توجه به نیازمندی‌های سایر اعضای خانواده، مصرف‌گرا و یا اسراف‌گر تربیت شوند. این، امری است که از سوی عقلا مورد مذمت است و می‌تواند برای فرد و جامعه زیان‌های جبران‌ناپذیری به دنبال داشته باشد.

۲/۵ هـ. عقلا می‌پذیرند که تربیت یک امر تدریجی است و نمی‌توان انتظار تغییر دفعی را از کودک یا هر فرد دیگری داشت. چنین انتظاری قبیح و مورد مذمت عقل است. پس عقلا با دفعی بودن تربیت مخالفند و کسی را که انتظار دارد فرزند بدون تمرین و عادت به آداب و رسوم معاملات و مسایل اقتصادی، آشنا شود، مذمت می‌کنند. بنابراین، عقلا تدریجی بودن تربیت را تأیید می‌کنند و با توجه به ادله قرآنی و روایی که به تمرین و عادت دادن فرزندان اشاره دارد، این امر مورد امضای شارع نیز هست. با نگاهی به عرف و سیره رایج میان مردم، می‌توان دریافت که گماردن کودکان به برخی مشاغل و آشنا کردن آنان به قوانین شرعی و عرفی بازار و مفاهیمی مانند اقتصاد حلال و حرام، امری عقلایی و پسندیده است.

و. رعایت توان و ظرفیت فرزند در انجام رفتارهای تمرینی

اجرای روش عادت، نیاز به حرکت گام به گام و مرحله به مرحله دارد و در استفاده از این روش، نمی‌توان عجولانه و بدون برنامه‌ریزی اقدام کرد.

کودک، در مراحل ابتدایی، با عادت مورد نظر آشنا می‌شود و سپس با تمهیدات لازم و رعایت اصولی مانند تکرار، دوری از محرک‌های منفی، توجه به توانایی و ظرفیت کودک، اصل تغافل و تساهل و... به ثبات رفتار مورد نظر، می‌رسد.

برخی از صاحب‌نظران، مراحلی برای عادت‌دهی مانند استعداد پذیرش، میل به عادت مورد

نظر، تکرار و پذیرش ذکر کرده‌اند (گودرزی، همان، ۶۳).

می‌توان مراحل بینش، گرایش و رفتار را نیز برای روش عادت‌دهی مطرح نمود. ارائه شناخت

و اطلاعات مناسب درباره عادت مورد نظر بسیار مفید است. همچنین ایجاد انگیزه و گرایش عاطفی، می‌تواند در سرعت‌بخشی عادت، تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

بنابراین، با توجه به مرحله‌ای بودن روش عادت، از نکات مهم استفاده از روش عادت‌دهی، توجه به توان بدنی، فکری و عاطفی فرزندان است.

ادله فراوانی به این مطلب اشاره دارد. از جمله:

الف. ادله قرآنی مانند تکلیف به اندازه توان (بقره/۲۸۶)؛

ب. ادله روایی مانند: افطار کردن کودک در زمان ناتوانی (کلینی، همان: ۴۰۹/۳) «عَلَىٰ عَن أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ ع قَالَ: إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا ... بِالصَّوْمِ ... فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا.» روایت صحیح‌ه حلبی معتبر است؛ زیرا علی بن ابراهیم و پدرش و محمد بن ابی عمیر (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۲۶) و حماد بن عثمان امامی و ثقه هستند (کشی، ۱۴۰۹: ۳۷۲)؛

ج. قواعد فقهی مانند «قاعده لاضرر» و «نفی عسر و حرج»: اتخاذ هر روش که موجب اضرار یا مشقت فرزند شود، نهی شده است. اگر توان جسمی و ذهنی فرزند مورد توجه قرار نگیرد، پیامدهایی همچون به‌خطر افتادن سلامت جسمی کودک، آسیب قدرت تکلم، کندشدن فرایند یادگیری، رفتارهای پر خاش‌گرانه، قابل پیش‌بینی است. عدم رعایت توان عاطفی فرزند می‌تواند آسیب‌هایی مانند احساس حقارت، وسواس، اضطراب، کاهش اعتماد به نفس را به دنبال داشته باشد؛

د. قاعده عقلی «قیح تکلیف مالا یطاق»: بر اساس حکم عقل، موظف کردن فرزند به تکلیف و کاری که از توان او بیرون است، خلاف عقل و تکلیف به‌محال و ممنوع است. همچنان‌که سیره شارع در جعل احکام، رعایت توان و استطاعت مکلفان بوده است؛

ه. سیره معصومان (ع) نشان می‌دهد در زمان امر به‌نماز توجه به توانایی فرزند داشته‌اند. به‌عنوان نمونه سیره عملی امام سجاد (ع) بر این بود که به‌جهت رعایت توان کودکان و ترغیب آنان به‌نماز، امر می‌کرد تا نماز مغرب و عشاء و نیز ظهر و عصر را با هم بخوانند. توجیه حضرت این بود که این اقدام سبب می‌شود کودکان به‌نماز مبادرت ورزند و به‌جهت خوابیدن یا سرگرمی، نماز را ترک نکنند (کلینی، همان، ۴۰/۳).

نتیجه‌گیری

توجه به روش عادت در متون مختلف اسلامی از گذشته تاکنون، حاکی از باور به این روش و تأکید بر استفاده از آن است؛ کاربرد «روش عادت‌دهی» در دوره کودکی واضح و مورد قبول است و نظر به تدریجی بودن امر خطیر تربیت، کارشناسان حوزه تربیت، دانشمندان مسلمان و غربی، روان‌شناس و اسلام‌شناس، روش عادت را یکی از ضروری‌ترین شیوه‌های تربیتی برشمرده‌اند:

۱. دیدگاه فقها درباره حکم روش عادت‌دهی کودکان به عبادات، در دو دسته وجوب و استحباب، طبقه‌بندی می‌شود.
۲. با استناد به ادله مختلف، حکم الزام و وجوب «روش عادت‌دهی» تقویت می‌شود و تسالم فقها در این زمینه بعید نیست.
- ۳- با استناد به آیات، روایات، سیره معصومین (ع) درباره استفاده از «روش عادت‌دهی» کودکان در ساحت اخلاقی، دست‌کم حکم استحباب پذیرفته شده است.
- ۴- ادله قرآنی، روایی و عقلی حاکی از حکم جواز و دست‌کم استحباب و رجحان استفاده از «روش عادت‌دهی» کودکان در معاملات است.
- ۵- آیات قرآن کریم، روایات و سیره معصومین (ع) و برخی قواعد عقلی نشان می‌دهد نباید از توجه به تربی غفلت نمود.

فهرست منابع

۱. ابن ابی‌الحدید، عزالدین عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، دارالکتب العربیه، ۱۹۵۹ م.
۲. ابن بابویه، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۳۸۵ ق.
۴. ابن منظور، محمدبن مکرّم، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۵. ابن سینا، تدبیر منزل، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۶. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، ۱۳۸۱ ق.
۷. اسکفلر، اسرائیل، *چهارپراگماتیسم*، ترجمه محسن حکیمی، تهران، پنگوئن، ۱۳۶۶ ش.
۸. اشرف جودت، تقی علی، *نقش عادت در تربیت اسلامی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش.
۹. اعرافی، علی رضا، *تربیت فرزند با روی کرد فقهی*، قم، مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، ۱۴۰۰ ش.
۱۰. اعرافی، علی رضا، *تعریف تربیت و تطبیق آن بر حرکت فلسفی، تربیت اسلامی*، ش ۱۴، ۱۳۹۱ ش.
۱۱. اعرافی، علی رضا، *روش‌های تربیت*، قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، ۱۳۹۵ ش.
۱۲. اعرافی، علی رضا، *فقه تربیتی*، قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، ۱۳۹۵ ش.
۱۳. اعرافی، علی رضا، و سیدنقی موسوی، *نمازآموزی به فرزندان در فقه تربیتی اسلام*، پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و یکم، ش ۱۹، ۱۳۹۲ ش.
۱۴. امینی، ابراهیم، *تربیت*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. بناری، علی همت، *نگرشی به تعامل فقه و تربیت*، قم، مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳ ش.
۱۶. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، *فلسفه تعلیم و تربیت*، ج ۱، تهران، سمت، چاپ هشتم، ۱۳۸۶ ش.
۱۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و دررالکلم*، تصحیح سیدمهدی رجایی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۸. جزیری، عبدالرحمن؛ غروی، سیدمحمد؛ یاسر، مازح، *الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل بیت و فقا لمذهب اهل البيت (ع)*، بیروت، دارالثقلین، ۱۴۱۹ ق.
۱۹. جعفریان یسار، حمید، *روش تربیتی مبتنی بر عادت*، پیوند، ۱۳۸۳ ش.
۲۰. جمعی از پژوهشگران، زیر نظر هاشمی شاهرودی، سید محمود، *معجم فقه الجواهر*، بیروت، الغدیر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۷ ق.
۲۱. حاجتی، سیدمحمدباقر، *روان‌شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی*، تهران، نشر فرهنگ، ۱۳۷۱ ش.
۲۲. حسنی، نرگس، *عادت‌ستیزی در آثار عین القضات همدانی*، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال شانزدهم و هفدهم، ش ۶۱ و ۶۲، زمستان ۸۵ و بهار ۱۳۸۶ ش.

۲۳. حسینی حائری، سید کاظم، *ولایه الامر فی عصر الغیبه*، قم، مجمع اندیشه اسلامی، ۱۴۲۴ ق.
۲۴. حسینی شیرازی، سید محمد، *الفقه، الرأی العام والإعلام*، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۷ ق.
۲۵. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. حکیم، سید محسن، *نهج الفقاهه*، بی جا، انتشارات ۲۲ بهمن، بی تا.
۲۷. حلی، حسن بن یوسف، *نهایه الاحکام فی معرفه الاحکام*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۹ ق.
۲۸. حلی، حسن بن یوسف، *تذکره الفقها*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. حلی، حسن بن یوسف، *تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه*، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۰ ق.
۳۰. حلی (فخرالمحققین)، محمد بن حسن بن یوسف، *ایضاح الفوائد*، تصحیح سید حسین موسوی کرمانی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۷ ق.
۳۱. خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۴۰۸ ق.
۳۲. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، ج ۴، بی جا، بی تا، ۱۳۷۷ ش.
۳۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۳۴. رفیعی، بهروز، کاویانی، محمد، *بررسی تطبیقی انگاره مریبان مسلمان و مریبان غربی درباره عادت و تربیت و نسبت میان آنها از مفهوم تا کاربرد*، نشریه علمی پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و هفتم، ش ۴۵، زمستان ۱۳۹۸ ش.
۳۵. زحیلی، وهبه، *الفقه الاسلامیه و ادلته*، دمشق، دارالفکر، چاپ چهارم، ۱۴۱۸ ق.
۳۶. سیاسی، علی اکبر، *علم النفس یا روان شناسی از لحاظ تربیت*، تهران، دهخدا، ۱۳۵۵ ش.
۳۷. سیستانی، سید علی، *منهاج الصالحین*، قم: دفتر آیت الله سیستانی، ۱۴۱۷ ق.
۳۸. سیفی مازندرانی، علی اکبر، *دلیل تحریر الوسیله*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۹ ق.
۳۹. شریعتمداری، علی، *فلسفه مکتب های فلسفی و مبانی علوم*، تهران، چاپ دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ ش.

۴۰. شریعت‌مداری، علی، *روان‌شناسی تربیتی*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۷۵ ش.
۴۱. شعاری نژاد، علی اکبر، *فرهنگ علوم رفتاری*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش.
۴۲. شهیدی، جعفر، *ترجمه نهج البلاغه*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، بی‌تا.
۴۳. صبوری اردوبادی، احمد، *نقش تربیتی عادت*، تهران، هدیف، ۱۳۶۰ ش.
۴۴. طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
۴۵. طاهری، حبیب‌الله، *حقوق مدنی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ش.
۴۶. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۴۷. طبرسی، فضل‌بن حسن، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
۴۸. طریحی، فخرالدین، *مجمع‌البحرین*، تهران، کتابفروشی مرتضوی، بی‌تا.
۴۹. طوسی، محمدبن حسن، *استبصار فیما اختلف الاخبار*، تصحیح حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
۵۰. طوسی، محمدبن حسن، *خلاف*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ق.
۵۱. طوسی، محمدبن حسن، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۵۲. عاملی کرکی (محقق ثانی)، علی‌بن حسین، *جامع‌المقاصد فی شرح القواعد*، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۱۴ ق.
۵۳. عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۶۰ ش.
۵۴. عاملی، سیدمحمدحسین ترحینی، *الزبدہ الفقہیہ فی شرح الروضہ البہیہ*، قم، دارالفقه للطباعه والنشر، ۱۴۲۷ ق.
۵۵. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۵۶. غزالی، محمد، *کیمیای سعادت*، تهران، انتشارات بهجت، بی‌تا.
۵۷. فخر رازی، محمدبن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.

۵۸. فقیهی، علی نقی، *شیوه‌های ترغیب و جذب به‌نماز*، تهران، مؤسسه مهرتابان، ۱۳۸۴ ش.
۵۹. فلسفی، محمدنقی، *گفتار فلسفی؛ کودک از منظر وراثت و تربیت*، تهران، نشر معارف اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۶۰. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۶۱. قرشی، علی اکبر، *تفسیر احسن‌الحديث*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.
۶۲. قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۶۳. فیاض، محمد اسحاق، *منهاج الصالحین*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۶۴. فیاض، محمد اسحاق، *تعالیق مبسوطه علی العروه الوثقی*، قم، انتشارات محلاتی، بی‌تا.
۶۵. کاردان، علی محمد و هم‌کاران، *درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ ش.
۶۶. کاشانی، عزالدین محمود، *مصباح الهدایه*، با تصحیح جلال همایی، تهران، هما، بی‌تا.
۶۷. کاشانی، ملا فتح‌الله، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، ۱۳۳۶ ش.
۶۸. کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی*، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۶۹. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۷۰. گودرزی، علی محمد، *عادت از دیدگاه روان‌شناسی*، فلسفه، تعلیم و تربیت، تهران، اشراقیه، ۱۳۷۷ ش.
۷۱. لنکرانی، محمد جواد، *موسوعه احکام الاطفال وادلتها*، قم، مرکز فقه الائمه الاطهار (ع)، ۱۳۸۶ ش.
۷۲. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۷۳. محمدی ری شهری، محمد، *منتخب میزان الحکمه*، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸ ش.
۷۴. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰ ق.
۷۵. مطهری، مرتضی، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا، ۱۳۷۱ ش.
۷۶. مغنیه، محمد جواد، *تفسیر الکاشف*، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۴۲۴ ق.

۷۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۷۸. مکارم شیرازی، ناصر، *رساله توضیح المسائل*، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۴۲۴ ق.
۷۹. منتظری نجف‌آبادی، حسین علی، *الأحكام الشرعية على مذهب أهل البيت عليهم السلام*، قم، تفکر، ۱۴۱۳ ق.
۸۰. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم، نشرالاسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۸۱. نرمال، ل. مان. *اصول روان‌شناسی*، ترجمه دکتر محمود صناعی، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۵۲ ش.
۸۲. نراقی، محمد مهدی، *جامع السعادات*، بیروت، اعلمی، چاپ چهارم، بی‌تا.
۸۳. وکیلی، محمد حسن، *الگوی دینی راهبردی تربیت کودک*، نوجوان و جوان، مشهد، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، چاپ اول، ۱۴۰۰ ش.
۸۴. هوشیار، محمدباقر، *اصول آموزش و پرورش*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ ش.
۸۵. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، *العروه الوثقی*، مکتب آیت الله سیستانی، بی‌تا.